

چهره اجتماعی حضرت زهرا(س)

ذهنیت ما از صدیقه کبری(س) همسری مهربان و از جان گذشته در خانه است که هیچ حیثیت اجتماعی ندارد و با دنیای بیرون قطع ارتباط کرده است. در حالیکه روایات درست نقطه مقابل این دروغ بزرگ را بیان می کنند.



ذهنیت ما از صدیقه کبری(س) همسری مهربان و از جان گذشته در خانه است که هیچ حیثیت اجتماعی ندارد و با دنیای بیرون قطع ارتباط کرده است. در حالیکه روایات درست نقطه مقابل این دروغ بزرگ را بیان می کنند. به گزارش خبرنگار مهر، متن پیش رو یادداشتی است به قلم حجت الاسلام محسن لاهوتیان به مناسبت سالروز شهادت حضرت زهرا(س) که از نظر می گذرد؛

فصل دل انگیز بهار ظاهری زیبا دارد و باطنی زیباتر. ظاهر بهار، تصاویر روح افزایی است که در سنجش زیباشناسی، بسیار کوچکتر از باطن زیبای بهار است. رسول خدا(ص) فرمودند وقتی بهار را دیدید بسیار یاد "نشور" کنید (اذا رایتم الربیع فاکثروا ذکر النشور)، "نشور" نه یعنی مرگ، یعنی برانگیخته شدن و بیدار گشتن پس از مرگ.

این باطن بهار است، بیدار شدن پس از خواب دراز و البته مرگ و خواب خلاصه در جسم نمی شود، بعثت دیگری نیز داریم و آن بیدار شدن روح انسان است، و چه چیزی زیباتر از بهاری شدن روح انسان؟! به راستی که بیدار گشتن ضمیر آدمی و رستاخیز جان، هزار بار زیباتر از سبزه زاران. شاید جلوه همین مفاهیم است که بهار امسال، نوروز و فاطمیه را در کنار هم برایمان سوغات آورده. چرا که بهار بیداری طبیعت خواب رفته است و فاطمیه بهار جانهای به خواب زده.

ظاهر زیبای بهار را در رویش دوباره طبیعت ببینیم و باطن زیباتر آن را در صدیقه کبری(س) جستجو کنیم. بهار با تمام زیبایی ظاهری اش، بدون رستاخیز فاطمی و پیام تحول آفرین فاطمیه هیچ تغییری در آدمی نخواهد داشت. بدون فاطمیه، بهار خلاصه در چند تابلوی زیبا میشود که پس از مدتی در چشم انسان رنگ میبازد. اصلاً باید گفت بهار بی فاطمه(س) معنا ندارد. کالبدی خالی از روح که فقط چشم پُر کن است نه دل پُر کن.

حالا که موسم پرداختن به ظاهر و باطن بهار به زیبایی تلاقی کرده است، زمینه بیش از پیش فراهم شده تا لااقل به آن اندازه که زیبایی ظاهری را ملاحظه میکنیم نگاهی دقیقتر به زیبایی باطنی، آثار و ابعاد آن داشته باشیم و برای این منظور نگاهی دوباره به کلمات نورانی دختر گرامی رسول خدا(ص) قدم اول است.

اما پیش از هر چیزی باید بدانیم مجموع روایات و سخنانی که از وجود زهرا(س) بدست ما رسیده است بیش از ۱۰۰ روایت نیست که در مقابل روایات بسیار معصومین دیگر رقم پایینی است و جهت آن عمر کوتاه آن حضرت است. [۱] در کنار این روایات که سیره قولی دختر رسول خدا(ص) را تشکیل میدهند، سیره عملی ایشان نیز حاوی نکات بسیاری است و منبع و مبدایی برای تحولات می باشد. با توجه به همین احادیث و سیره منقول از آن حضرت میتوان سیمای درخشان بانوی یگانه اسلام را از جهات فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی ترسیم کرد.

کشف این چهره تابناک، فاصله ما را با تعالیم اهل بیت(ع) نشان می دهد. در همین راستا زهرا(س) در پاسخ به کسی که پرسید آیا من از شیعیان شما هستم یا نه؟ (و گویا ما این سوال را از حضرتش می پرسیم)، فرموده بود: «إِنْ كُنْتَ تَعْمَلُ بِمَا أَمْرُنَاكَ وَتَنْتَهِي عَمَّا رَجَرْنَاكَ عَنْهُ فَأَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا وَلَا فَلَا...» (اگر به آنچه تو را فرمان داده ایم عمل می کنی و از آنچه نهی کرده ایم پرهیز نموده ای از شیعیان خواهی بود و در غیر این صورت از شیعیان نیستی) [۲]

چهره اجتماعی حضرت زهرا(س)

همه می دانیم که دیدگاه های خشک و متعصب، حضور اجتماعی زن را بر نمی تابند و او را محدود در چهاردیواری خانه اش می خواهند. شاید همین تفکر بوده است که دیدگاه غلط خود را در معرفی سیمای دختر رسول خدا(ص) نیز اعمال کرده و امروز ذهنیت ما از صدیقه کبری(س) همسری مهربان و از جان گذشته در خانه است که انگار هیچ حیثیت اجتماعی ندارد و با دنیای بیرون از خانه اش قطع ارتباط کرده است.

در حالیکه روایات درست نقطه مقابل این دروغ بزرگ را بیان میکنند. حضور فعال اجتماعی و اثرگذاری بر فرهنگ عمومی و تربیت زنان و آموزش آنها، واقعیت زندگی آن حضرت است. در این راستا، ترویج دین و تبلیغ عقاید ناب اسلامی، مخصوصاً در میان زنان جامعه، بُعد دیگر حضور اجتماعی ایشان است. در برخی روایات به وجود جلساتی در حضور ایشان و دعوت از زنان کافر و معاند برای بحث و گفتگو دینی و فرصت دادن به شاگردان برای مناظره، اشاره شده است. [۳]

در کنار این حیثیت اجتماعی، بی تفاوت نبودن در برابر مسائل سیاسی روز را نیز اضافه کنید که عمده ترین نمونه آن در حوادث پس از رحلت رسول خدا(ص) قابل پیگیری است. در خطبه فدکیه آن حضرت که در فصاحت و بلاغت همتای نهج البلاغه مولا امیرالمومنین(ع) است، مواضع سیاسی ناشی از بصیرت و دفاع از حق و ولایت، روشنگری ها و افشاگری نسبت به سوابق عناصر منافق و... موج میزند.

اما نباید از این نکته غافل شد که در مکتب فاطمه(س)، مسئولیتهای اجتماعی و تبلیغی، هیچگاه تعارضی با وظایف همسری و مادری در خانه ندارند، چراکه هرکدام در جایگاه خاص خود معنا یافته و در مجموع تشکیل دهنده نظام و مکتبی هماهنگ اند و

اساسا اگر بخواهیم از مکتب حیات بخش اسلام در موضوع بحث برانگیز زن دفاع کنیم، ثقل کلام همین حکیمانه بودن دستورات دین خاتم است. و مفهوم حکمت یعنی وظایف زن از منظر اسلام در قالب نظامی است که هیچ تعارضی بین اجزایش دیده نمیشود، حضور اجتماعی و انجام وظایف دیگر هر دو اصیل اند و هیچکدام نافی دیگری نیستند.

در الگوی پیش روی ما، فاطمه(س) آنچنان در خدمت خانه و همسراری است که گویا هیچ وظیفه دیگری ندارد و آن هنگام که برای دفاع از جایگاه امامت قدم بیرون از خانه می گذارد، چنان است که گویی سالها در صف اول مبارزه با منافقین بوده است. این خصوصیت کاشف از وجود تدبیر و حکمتی دقیق در مجموعه دستورات دینی است که بانوی بزرگ اسلام، عامل آنهاست.

حتی باید گفت زن مسلمان، در وخیمترین شرایط سیاسی، که وظیفه او را به صحنه مبارزه با باطل کشانده، باز از وظایف همسری خود غافل نیست و کاملاً برای او قابل جمع است. شرایط حساس اجتماعی و سیاسی بعد از رحلت رسول خدا (ص) و داستان غصب خلافت را در نظر بگیرید و این تصویر زیبا را بخوانید: «پس از آنکه با مبارزه حضرت(س)، امام(ع) آزاد شد، راه خانه خود را در پیش میگیرند. حضرت(س) شانه به شانه علی(ع) در حرکت است. این در حالی است که خوب میداند، چه طوفانی در دل همسرش جاری است. همین چند ساعت پیش، در برابر چشمان او دستانش را بستند. ریسمان به گردنش آویختند. همسرش را کتک زدند و او نتوانسته بود حمایتی از فاطمه(س) کند.

زهره(س) از هُرم نفسهای همسر می داند که چه غروری از او شکسته شده ولی بخاطر حفظ وحدت اسلام مجبور است، صبر کند. در آن شرایط دشوار جسمی و روحی، که خود بیش از هر کس به تسکین و دلداری نیاز دارد، تصمیم میگیرد رسالت "مودت و محبت" را با نوآوری در کلام پیاده کند. آرام میفرماید: علی(ع) جان! جان و روح من سپر بلای جان تو! من همواره با تو خواهم بود. اگر در خیر و خوشی به سربری با تو خواهم زیست و اگر در سختی و بلا گرفتار شوی باز هم در کنارت خواهم بود! دست کودکان در دست پدر و مادر است. این جمله، روحی تازه و توانی نو در جان علی(ع) می دمد. این را قدمهای استوار امام(ع) به سمت خانه ثابت میکند.» [۴]

همین یک جمله آرامش بخش در آن طوفان بلا و مصیبت، کافی است تا خرافه سرایی های فمینیسم و یاوه گوییهای به ظاهر مدافعان حقوق زنان و آزادی های اسارت بخش، که بوی تعفن مادی گرایی و شهوترانی آن غرب و شرق عالم را پر کرده، زیر سوال روند. امام راحل(ره) در خصوص حضور اجتماعی زن و عدم منافات آن با وظایف تعریف شده فرموده اند:

«این تبلیغات که «اگر اسلام پیدا شد مثلاً دیگر زنها باید بروند توی خانه ها بنشینند و قفلی هم درش بزنند که بیرون نیایند» این چه حرف غلطی است که به اسلام نسبت می دهند. صدر اسلام زنها توی لشکرها هم بودند، توی میدانهای جنگ هم می رفتند... اسلام با هیچ چیزی از مظاهر تمدن مخالفت ندارد... اسلام دست زنها را گرفته آورده در قبال مردها گذاشته... البته یک احکامی خاص به مرد است که مناسب با مرد است و یک احکام خاص به زن است و مناسب با زن است...» [۵]

نویسنده: حجت الاسلام محسن لاهوتیان

[۱] مقاله بازبینی برخی روایات فقهی ماثوره از حضرت فاطمه زهرا (س): جلوه های فقاقت در کلام فاطمی/ حسین شانه چی

[۲] بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۵۵

[۳] صحیفه فاطمه، حمید احمدی جلفایی، صفحه ۱۴۸

[۴] آلبوم خانواده، جواد اکبری-محبوبه زترع، صفحه ۹۴ تصویر چهل و پنجم

[۵] صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۱۶